

اعتدال

آمین مقدس اسلام بر اساس اعتدال و معیار روی استوار است . پیشتر بزرگوار اسلام؛ مسلمانان را از گوشه گیری و دوری از اجتماع اسلامی ، بر خیز داشته ، و از غیر نشینی و ترك دیانت گرفته است ، چنانکه فرموده: لا رهبانية فی الاسلام .

همچنین توجه زیاد با مورد در زمین های که وظائف دینی تحت الشعاع قرار گیرد ، و دل بلاق مادی مایل گردد ، مورد نکوهش قرار داده است . اسلام به مسلمانان دستور میدهد که بیاك چشم یا مورد بیا و ظاهر زندگی بنگرند و با چشم دیگر متوجه عالم معنی و سرای دیگر گردند در قرآن مجید میخوانیم : ربنا آتنا فی الدنیا حسنة و فی الاخرة حسنة مولا معتقین علی علیه السلام که خود نمونه اعلاي يك انسان کامل بود و در زهد و تقوی و بی اعتنائی بآسایش و تمتعات شخصی ، همتا نداشت ، اوقات خویش را در اجتماع میگذراند ؛ و هیچگاه احساس خود را با مسلمانان قطع نکرد .

این همان راه اعتدال است که اسلام برای زندگی پیروان خود برگزیده و مسلمانان دستور داده که از آن پیروی کنند . اسلام امر آنکه نصارا ترك دنیا و دیر نشینی را شمار خود ساخته ، و نه همچون قوم یهود ، پیش از آنکه با مومنانی و دنیا پرستی و اندوختن ثروت و سیم و زنگی اشرافی برداشت است اسلام حدود و سطحی را برای این دورا انتخاب نموده و بهمین جهت نیز قرآن مسلمانان را «امت وسطه» خوانده است .

امیر مؤمنان علی علیه السلام بعد از واقعه جنگ معروف «جمل» بشهر مدینه در آمد ؛ در آنجا شد که یکی از یارانش بنام علاء پسر زیاد خناری بسیار و بستری است ، حضرت بدین او تشریف برد ؛ و از وی در خانه اش عیادت نمود .

لحظه ای پس از تشریف فرمائی و پرسش حال بیمار ؛ نظری به آن دو سیم و زنگی مجلل او افکند و سپس در حالیکه با وی گهنگو میداشت فرمود : ای پسر زیاد ؛ با اینکه میدانم در سرای دیگر بچنین خانه ای نیازمند تری ؛ این خانه فراخ و زنگی مجلل را در این دنیا

برای چه میخواستی ؟ چه در این خانه چند روزی بیش نمیمانی و تا گزیری که آنرا رها کرده و بروی ولی در خانه آخرت همیشه خواهی ماند !

آری اگر باین منظور این خانه را بنا کرده ای که باغراخی آن ؛ خانه آخرت را آباد کنی تا در آنجا نیز آسوده باشی ، میباید در این خانه مهمان نوازی کنی ، و بیوسته از حال خویشان و بستگان خود جویا شوی و از آنها دستگیری نمانی تا بدینگونه دیگران هم از آسایش و زندگی مرفه تو برخوردار باشند .

و نیز حقوق شرعیه (خمس و زکوة و صدقات و سایر حقوق واجبه و مستحبه) را که در این خانه بشو تعلق میگیرد ؛ باید بیرون بیاوری و مستحقانش بپردازی ، که در این صورت با آسایش و فراخی خانه آخرت نیز رسیده ای .

در این هنگام علاوه بر زیاد صاحبخانه که تحت تأثیر سخنان آنحضرت واقع شده بود ، عرض کرد : یا امیرالمؤمنین ! - آنچه درباره وضع زندگی من فرمودی بجانم بیپذیرم - ولی میخواهم از برادرم «عاصم بن زیاد» نزد شما شکایت کنم . فرمود : برای چه ؟ گفت : وی - مانند راهبان نصارا - گلپوش پوشیده و از زندگی دست کشیده دوری گزیده است .

حضرت فرمود : او را زود من بیازید ! همینکه خدمت حضرت رسید ؟ فرمود : ای دشمنک خود ؛ شیطان بلید خواسته است تو را سرگردان سازد که تو را باین راه و رسم واداشته و آنرا در نظرت آراسته است - آیا با این وضعی که پیش گرفته ای - بزنا و فرزند خود رحم نکردی ؟ آیا چنین پنداشته ای که خداوند روزی با کینه خود را برای تو حلال نموده و نخواهد از آنها بهره مند شوی ؟ نه ؛ تو پست تر از آنی که خداوند روزی خود را برای ت حلال کند و نخواهد که از آن استفاده ببری - زیرا این معنی فقط از بیسمران و جان نشینان آنها انتظار میرود .

عاصم گفت : یا امیرالمؤمنین ! من خواسته ام همانند شما باشم - و از شما تقلید نمایم - که با لباس زبر و خشن و خوردن ناچیز و بی لذت روزگار میگذرانی ؛

فرمود : نه ؛ نه ؛ من مانند تو نیستم - زبر ا خداوند بر شیوایان حق - و در بران خلق - واجب نموده است که خود را باین آورده و در وضع مردم تهیدست قرار دهند ، تا فقر و تنگدستی بر نهی دستان فشار وارد نسازد و باعث پربشانی بیشتر آنها نگردد . (۱)